

فہم سال در آمریکا

تالیف

عبدالله دشتی

پ - ا - ب - اس - ث - ای - ام

مهندس معادن و معرفت الارض

مهندس دولتی

عضو آکادمی مهندسين معادن و ميتھولوژی آمريک

عضو سوسيتہ مهندسين معرفت الارض نفل آمريک

عضو جامعہ جغرافیائی آمريک

حق طبع و ترجمہ محفوظ

طهران

قیمت : - پنج ريال

طبعہ حسینباقرزادہ و برادران

فهرست

- ۱ - مقدمه
- ۲ - مسافرت به آمريک
- ۳ - ورود به آمريک
- ۴ - ملاحظات و مقایسه
- ۵ - چطور محصلين تأمين معاش مينمايند ؟
- ۶ - تعطيل تابستان و استفاده محصلين از آن
- ۷ - يكسال ونيم در اداره معرفه الارض
- ۸ - تقسيم بندي اهالی اتازونی
- ۹ - ديانت در آمريک
- ۱۰ - زن در جامعه آمريک
- ۱۱ - قربيت خانوادگی در آمريک
- ۱۲ - قربيت در مدارس آمريک
- ۱۳ - طرز زندگانی در آمريک
- ۱۴ - روحیات امريکائيه و عدم توافق آن با ارزشه های ايتکالی
- ۱۵ - ثروت آمريک و ثروت در آمريک
- ۱۶ - زناشویی در آمريکا
- ۱۷ - تفريح در آمريک
- ۱۸ - نظریاتی چند راجع به آتیه آمريک
- ۱۹ - لزوم دفع قاچاق

مقدمه

سلسله مقالاتی را که راجع بآمریکا در روزنامه ملی شفق سرخ انتشار دادم جلب توجه آمده ای از هموطنان منور الفکر را نموده و مرا تشویق بجمع آوری و طبع آن کردند و اینک نظریات خود را مجدداً در این کتاب تقدیم هموطنان نموده و امید است که جوانان این سرزمین از مطالعه آن مستفید و بهره‌مند شده و بدین وسیله مرا در امید و آرزوی خود کسایب نموده و از پاداشهای دیگر بی نیازم نمایند

بنده شوق خود در همین افکار عالی و کردار خجسته و عملیات برجسته آن ادیب دانشمندی هستم که وسایل تربیت نوشته این صفحات را از ایام طفولیت تا آن روز فراهم کرده و در نشر افکاری که یگانه مقصود این کتاب است هیچوقت کوتاهی ننموده و گهرهای درخشانی را در این موضوع بمعرض استفاده جامعه خود گذاشته است؛ آن کسی که (ناموس تبدلات ملل) و (تفوق نکلوسا کسون) و (ایده آل ملی) و (ایام محسوس) و هزارها مقالات ادبی و سیاسی و اجتماعی تحویل جامعه داده است بزرگتر از آنست که اسمش در این سطور برده شود ولی بزرگی نفس و مناعت طبع علی دشتی مرا از این جسارت عفو خواهد کرد و از این انبساط محروم نخواهند نمود.

در اواخر سال ۱۳۰۱ پس از پنج سال تحصیل در هندوستان و اتمام مدرسه متوسطه آن مملکت از راه بوشهر و شیراز و اصفهان وارد

طهران شده و بعد از چند ماه توقف از راه روسیه و آلمان بطرف آمریکا رهسپار شدم . اینک پس از نه سال تحصیل علوم عالییه و فنون مهندسی در آن سرزمین علم و عمل از راه فرانسه و آلمان و روسیه بسرزمین نیاکان خود برگشته و امید آنرا دارم که موفق شوم بوطن و ملت خود خدمتی نموده و معلومات و تخصصات خود را برفع وطن عزیز بکار برم .

مقصود اینست که قبلا خوانندگان محترم را اطمینان بدهم که موضوع عرایض بنده از دایره شعر و فلسفه تکلی خجالی و عموما مربوط بمسائل علمی و عملی است زیرا که نشو و نمای بنده از چهارده سال قبل باین طرف در محیطی نبوده است که موفق شوم از گوهر فشانی شعراء و فلاسفه عصر جدید یا عتیق ایران بهره مند شده و در این قبیل مسائل ادبی تخصص پیدا کنم بلکه بر عکس چه در هندوستان و چه در آمریکا چه در محیط کالج و ارنیورسپته و چه در کارخانجات و معادن ، چه در ملاحظه چاههای نفت و چه در نقشه برداری زغال انارونی ؛ چه در ادارات معرفة الارض دوات آمریکا و چه در مصاحبت با مهندسین و پروفیسورهای عالیمقام آن مملکت تماس بنده با چیزهائی بوده است که کاملا از محیط شعر و فلسفه دور و بدائره علم و عمل و امورات واقعی و مادی نزدیک بوده است .

شاید بعضی از آقایان این حقیقت را که بآن اعتراف کردم مایه تأسف و بعضی جمعی خرسندی و امیدواری به پندارند ولی تأسف و خرسندی و امیدواری و ناامیدی ایشان حقیقت فوق را تغییر نمی تواند بدهد و بیش از این مقدمه را شرح نداده و شروع بمطلب مینمایم .

فد سال در امریکا

مسافرت به آم. دک

امروز وسایل مسافرت بدور ترین و مجهو کترین نقاط دنیا فراهم و آسان است و البته مسافرت بآمریک که در علم و ترقی و تمدن دست ملل برجسته از پاراهم از پشت بسته و شهرنش دوسر قاصر دنیا ضرب المثل است بدرجات آسان تر و سهلتر است. ادارات و کمپانی های متعدده هستند [از قبیل تامس کوك و پسران که وسائل مسافرت بین المللی و تسهیلات لازمه در اقامت و عبور از هر مملکتی را (بجز روسیه که مربوط بداره اتوریست است) چه مسافر آشنا با زبان آن مملکت باشد و چه نباشد فراهم مینمایند ظاهراً کمپانی فوق الذکر نماینده در طهران دارد و برای فراهم کردن و تسهیل امور مسافرت همیشه مهیا میباشد - در شهر واشنگتن نماینده این کمپانی بنده را دده و خیلی اظهار تأسف مینمود که راجع بایران بکلی بی اطلاع میباشد و البته چنانچه دولت و بلدیة های شهر های معتبر ایران کتابچه های مختصری که برای تشریح مسافرت بایران باشد طبع بنمایند و برای توزیع در بین مسافران مجاناً بدارات مختلفه کمپانیهای بین المللی بفرستند طولی نمیکشد که نتایج هنگفت و پر منفعتی از آمد و رفت مسافران آمریکائی و بالنتیجه پرویاگاند امتعه ایران عاید ملت ایران خواهد شد و باید در نظر داشت که دول اروپا بایک جدیت خستگی ناپذیری مسافران آمریکا را بطرف خود جلب نموده و سالیانه ملیونها دلار از وجودشان استفاده مینمایند .

مسافرت بآمریک البته از راههای متعدده ممکن است مثلاً از روسیه

از بیروت و از اسلامبول می توان عبور کرد و اگر چه رفتن و برگشتن بنده از راه روسیه بوده است معذلك نمیتوانم این راه را سهلتر و کم خرج تر از سایر راهها تصور بنمایم زیرا که پس از حساب خرجهای متفرقه و گرفتاریهای زیاد در عرض راه روسیه بواسطه تبدیل پول و تهیه خوراك و غیره چنان تصور مینمایم که راه طهران - خاقین - نصیبین - اسلامبول و یاریس و نیو بورک بمراتب بهتر از راه طهران - یهلوی - باد کوبه - شپاتوفکا - ورشو - برلن نیو بورک است زیرا که آسودگی راه اولی بمراتب بیشتر و جاهای عبور بمراتب دیدنی تر و مخارج هم همان اندازه است یعنی درجه دوازدهم طهران به نیو بورک بدون توقف زیاد در چائی در حدود سیصد و پنجاه دلار است البته خوانندگان محترم مطلع هستند که چندین سال است دولت آمریکا عده مهاجرین مال مختلفه را به اتنازونی محدود نموده و این محدودیت در سئلهای اخیر خیلی مشکلترا شده است ولی مسافرت محصلین و تجار برای مدت موقتی البته شامل این قوانین نیست منتها شامل قوانین دیگر است که کاملاً باید مراعات بشود

مسافر خارجه به آمریکا باید کاملاً صحیح المزاج باشد و دارای هیچ نقص جسمی یا دماغی نباشد مهاجر کور یا شل یا کچل یا دیوانه را در آمریکا راه نمیدهند محصل خارجه در آمریکا مرتباً هر ماهه باید مأمور معینی را از چگونگی تحصیلات و امورات خود مطلع نموده و چنانچه قادر به تحصیل نباشد و بیکار بماند اداره مهاجرت او را از مملکت خارج مینماید؛ هنگام ورود به آمریکا مسافر تعهد مینماید که بار دوش دولت آمریکا نخواهد شد و در حدود چند هزار دلاری باید ضمانت بدهد علاوه بر این باید مخارج چند ماهی در دست داشته باشد

ورود با امریک

مسافرین و مهاجرین خارجه را قبل از ورود بشهر نیویورک برای رسیدگی به هویت و دریافت ضمانت بجزیره ایس میبرند و از هنگام ورود باینجزیره نظام و سیستم ادارات امریک دستگیر انسان میشود - اینجزیره که دارای عمارات عالی و متعدده است مسکن هزارها مهاجرین است زیرا که هرروزه صدها مسافر وارد آن شده و صدها خارج میشوند و در این مسافرین بین المللی اشخاص زیادی هستند که جز زبان مادری خود دیگرزبانی نمیدانند : از نظافت و پاکیزگی و لوازم صحیه بکلی بی بهره اند از وضع زندگانی امریک بکلی بی اطلاعند - در اینجزیره صدها زن و مرد ، کوچک و بزرگ با این نقائص باکمال آسودگی و بی سر و صدا زندگانی کرده و هر روز بجای این عده عده تازه آمده بدون آنکه هیچ خللی در کارهای اداری و امور تنظیم - خوراک - وسایل راحتی و غیره ادارات اینجزیره ایجاد شود حمامهای دوش شبانه روز برای هرکس مهیاست و تختهای فتری برای هر نفری آماده و لوازم آسایش زنها از هر حیث فراهم و مرتب است کاملاً مثل يك کارخانه ایستکه قوه برق با ماشینهای دودی آنها بکار انداخته و سیر همین روزانه خود را طی مینماید پس از ورود بنیویورک دیگر پاریس حکم يك شهری را پیدا میکند که گویا توسری خورده باشد و یگانه شهری که در قطعه

اروپا از بعضی جهات شباهتی به آمریکا دارد همان شهر برلن است که بالنسبه در امور و جریانات روز مره اش سرعتی مشاهده میشود و چیزهایی که فوراً جلب توجه بکنفر تازه وارد را مینماید بسیار است : -
عمارات آسمان خراش : از دحام مردم و سرعت و تند روی ایشان و کثرت اتومبیل و وسایل حمل و نقل ، غوغا و جنبهال ماشین آلات زیبایی و نظافت خیابانها و مغازه ها ؛ خوشحالی و صحت و خوش قیافه گی اهالی و بالاخره انواع و اقسام وسائل اعلانات که مخصوصاً در شب حکم يك سينما را دارد چشم بکنفر تازه وارد در شب اول در میدانی که با اسم تاینس نیویورک مشهور است خیره و سرش گیج میشود و از یکطرف بوسیله چراغ های برق اخبار بر جسته جاری با کلمات درشت و متحرک مسلسل از مقابل چشم عبور مینماید از طرف دیگر اعلانات متحرک و روشن مربوط باجناس مختلفه از قبیل اتومبیل و خمیر دندان ، السبه و اجناس لوکس غیره دائماً جلوه گرند و از طرف دیگر درو دیوارهای تیارهای عالی نیویورک با هزارها چراغ برق روشن و اعلانات متحرکشان جالب توجه میباشد علاوه بر این از هر گوشه و کذر بوسیله رادیو موزیک های فرح بخش شنیده می شود -

رو بهمرفته به و هومانی که راجع بشهر برلن در ایام طفولیت بیامی آموختند بی شباهت نیست ، درو دیوار و مردم گویا در حالت رقص و نشاط اند ولی در عین حال جدیت را از دست نداده و در تمام نکات زندگانی خود با چهره کشاده و جدی پیشرفت مینمایند .

ملاحظات و مقایسه

پس از اندکی توقف و آزمایش در وضع زندگانی امریکائیهها چند چیز مهم دستگیر انسان میشود : اولاً کرائی مخارج زندگانی و این مطلب باندازه مهم و غیر قابل اغماض است که بالطبع شخص را وادار بعمل و کار مینماید - ترس از کرسنگی و استیصال و سرگردانی انسان را مجبور مینماید که دیگر شرم‌آبی و وقار بی‌جای شرق را کنار گذارده و برای تأمین معاش خویش بدست و پایفتد و در اینجا پنجاهای عمر خیم و فلسفه‌های ملای رومی و ترنمات بلبلان و همه درختان و انعکاس ماهتاب و ستارگان در آب و راز و نیاز عشاق و نغمه مطردان و بالاخره تمام این عوامل لذیذ ولی موهوم جای خود را بآن حقیقت مهیب و پرتامری میدهد که داروین از چندی قبل گوشزد عالم علم نمود و اسم آنرا ناموس تنازع بقا گذاشته است و انسان خودی خود در محیط آمریکا دارای این پرنسب میشود زیرا که پایداری در آن محیط لازم ملزومش عمل است و اطفال از سن کودکی ناچار از درک این مطلب هستند.

ثانیا مسلك دایم و کراسی

در تمام امور زندگانی و اداری ایشان نتایج خوب این مسلك بر همه کس واضح است و بیش از آنستکه در این جا شرح داده شود ولی مختصراً بعضی نکات برجسته آن گوشزد قارئین میشود : - وقتیکه

در نظر داشته باشیم که ترقی یا تنزل يك اداره یا يك جامعه نتیجه کار های آن اداره یا جامعه است بخوبی دستگیر انسان میشود که همیشه نتیجه کار مطلوب است و نتایج هر کاری منوط است بطرز و سیستم انجام آن و اید آ لیکه نقطه نظر کار گران است اگر منظور نظر مدیران امور فقط خود ستائی و فور مالیته بازی و تکبری جا باشد زیر دستان آنها دیگر وقت آنرا نخواهند داشت که وظائف خود را انجام دهند تمام وقتشان صرف تعظیم و کرنش بمافوقشان خواهد شد و کارهای مرجوعه شالوده و اساسی بخود نخواهد گرفت و جز ظاهر سازی دیگر چیزی نتیجه نمیشود - این تکبری جا و عادت مذموم خود پسندی مضحك هنوز در ادارات ممالك شرقی بر جا است ولی در ایران امروزه که می رود در تحت اداره و فرمان روائی اراده متین و باعزم شخص اول مملکت صورت تکاملی در سیر ترقیات بخود بگیرد امید است که این قبیل عادت ناپسند نیز تدریجاً فراموش شده و ایدآل خدمت بجای خود ستائی در قلوب آمرین و مامورین جای بگیرد

در آمریکا روابط امر و مأمور - شاگرد و معلم - رئیس و مرئوس رابطه ایست دوستانه و هر يك في حد نفسه کوشش می نماید که بوسیله انجام وظائف خود این روابط را محکم تر نموده و خود را برای ترقی مهیا تر سازد و ترقیات اداری و علمی و عملی منوط بر نتایج کارهای شخص است و معلومات و عملیات او میزان ترقی رتبه و قدرت او از او میباشد و ثمر کار و عملیاتیکه شالوده اش محبت ، دوستی ، صداقت جریزه ، لیاقت ، دانائی و بالاخره تخصص است البته قابل مقایسه نیست بان نتیجه

آن عملیاتی که در اثر ترس و لرز و خوف و بیم و دروئی و بی لیاقتی
و نادانی و بالاخره بی علمی است

این دوشق کاملاً قطعه عکس یکدیگرند و ما ایرانیان بیش از
بیش، باید خود را برای تابعیت از شق اولی مهیا و حاضر سازیم

ثالثاً ورزش است

در هر شهر آمریکا اگر شخص تازه وارد گردش نماید و بوسیله
اتوبوسهای سریع السیر سرباز جاهای مختلفه آن شهر را ببیند آنوقت صحبت
عرایض بنده دستگیرش میشود - من کاملاً معتقد هستم که شالوده
تمدن سریع و محیر العقول آمریکا ورزش و بازی و اشتیاق بزحمت و کار
است و همچنین آنکه اساس تنزل فرانسه (من معتقدم که فرانسه از چندی
باین طرف راه انحطاط را می پیماید) شرب مسکرات زیاد و امراض
تماسی و کمی ورزش است. بهمانند لیبیکه تنزل ملل شرق بواسطه
شیوع اخلاق فاسده و استعمال تریاک است زیرا که این عادت منحوس
گذشته از آنکه مغشوق فساد اخلاق است انسان را نیز از عمل و
ورزش باز داشته و او را کاملاً موهوم باف و شاعر و فیلسوف (۱)
می نماید باین دلایل ترقیات ملل برجسته آمریکا و آلمان و ژاپن
[هریک از این دول اکنون دارد مرحله صباوت و جوانی تمدن خود را
طی مینماید] بر شالوده محکم ورزش استوار است - علت ورزش کنندگان
اشتیاق بکار دارد و از زحمت و مشقت خسته نمیشود همیشه حاضر برای
ستیزه با مقدرات است روح نهور و شهامت کاملاً در زکانش نمایش

دارد؛ گذشته از اینها ورزش موجب صحت و سلامتی است و هرچه بدن سالم تر باشد فکر شخص سالم تر است .

اکنون این را مقایسه فرمائید با يك ملتی که نلتش تریاکی نلت دیگرش فاسد الاخلاق و مبتلا باامراض تناسلی و نلت دیگری عصبانی میباشد - از تریاکیها که باید صرف نظر کرد بدن سالم متهور و فکر سریع و صحت دماغی پس از استعمال تریاک مانند آتش که بوسیله آب خاموش شود از بین میروند مبتلایان باامراض تناسلی نیز جز مصدر یأس و نا امیدي از بدبختی مصدر امر دیگری نخواهند شد

یگانه راه علاج برای همچو ملتی ورزش است و بس - تا زمانیکه ورزش در مدارس اجباری نشود . تا وقتیکه قسمت مهم هر شهری برای بازی و ورزش وجست و خیز کودکان مهیا نشود تا وقتیکه سرما آبی رواج دارد و تا زمانیکه به اسپورت و بازی با نظری پر از حقارت نگریسته میشود و بالاخره تا هنگامیکه منتقل و افور با هوای کثیف اندرون بر هوای آزاد خارج برتری دارد ترقی و سعادت و بزرگی و شهامت نصیب همچو جامعه نشده سهل است که تاریکی و خاموشی مهیب مرک بر آن مستولی خواهد شد ایرانیان قائد ملی و شاهنشاه با شهامت و عاقبتی بین خود را از صمیم قلب سپاسگذاری کنند که قانون نظام وظیفه را از چندی قبل در سر تا سر مملکت بجزریان انداخته و بدینوسیله جوانان مملکت را با عالم ورزش و عمل آشنا کرده و وجودشان را پیش از پیش بحال جامعه مفید نموده است

در مملکت امریکا سالیانه ملیونها دلار صرف تسهیل و توسعه وسایل ورزش عمومی میشود؛ گذشته از مؤسسات بلدیه هر شهر و گذشته از مؤسسات خصوصی و مستقل برای اشاعه و تعمیم ورزش هر مدرسه و کالج و دارالفنون دارای يك شعبه مستقل و عریض و طویلی در ورزش است و هر کدام يك ورزش خانه و دریاچه شنا دارد علاوه بر اینها برای تشویق امور ورزش سالیانه هزارها دلار بانواع مختلفه از طرف اشخاص مضمول و خیرخواه تقدیم این مؤسسات میشود و ملت امریکا با يك عشق خستگی ناپذیری توجهات خود را معطوف بتكامل جسمی و فکری افراد خود نموده و بغونی این حقیقت را درك کرده است که فکر سالم و جسم سالم با یکدیگر توأمند.

رابعا تنظیم امورات اداری

و سرعت جریان آنست ادارات مملکت امریکا بی شباهت نیستند بماشینهای اتوماتیک که هر روز سر ساعت معینی بجریان افتاده و وظایف خود را انجام میدهد سرعت عمل و جریان ادارات آمریکا شاید در هیچ مملکت دیگری مشاهده نشود در اطاق رئیس ادارات انجاری و بورس مثلا بجای يك تلفون شاید متجاوز از شش تلفون باشد در حین معامله با يك کمپانی معاملات دیگری نیز در جریان است و ممکن است که در آن واحد بدون تحویل جنس یارو بدل مکاتبات لازمه جنس را از یکی خریدند و بدیگری بفروشند. مثلا هر تجارتخانه یا کارخانه با کمپانیهای مختلفه اداره معینی برای اعلان و پروپاگاندا و توزیع اجناس خود دارد.

عجم بنمایم که زرقی افراد ملت آمریکا نتیجه عمل است ،
پس از ورود بآمریکا دارائی بنده در حدود یکصد و پنجاه
دلار بود و چون مصمم بودم که فوراً وارد کالج و مدارس عالی
بشوم بنا براین از هر حیث حاضر و مستعد برای صرفه جوئی بودم .
روز دوم ورودم در یکی از کافه هائیکه متعلق باونیورسیتة کلیبابود
کاری پیدا کردم که در ازای دو ساعت خدمت روزانه سه خوراک
یومیة مرا مفصلاً میدادند پس از چند روز توقف و نوشتن مراسله با
یکی از کالجهای برجسته مرکز اتازونی (کالج بلایت) چون تصدیق
نامه های من از مدارس هندوستان خیلی خوب و آرومند بود حق
التعلیم افتخاری برای یکسال بدست آورده و بدان سمت حرکت نمودم
پس از ورود بشهر بلایت که نزدیک شهر شیکاگو است و مراجعه
برؤسای کالج معلوم شد که در دو هفته دیگر مدارس باز شده و
امور کالج بجز بمان می افتد من نیز فرصت را غنیمت شمرده و قبل از
آهنگن سایر شاگرد ها مشغول جستجو شدم تا کار مناسب و خوبی
برای خود تهیه نمایم - چون قسمت مهم مخارج زندگانی روزانه شخص
مربوط بخوراک و ماکولات است - بنابر این اولین کاریکه برای خود
تهیه کردم پیشخدمتی در يك کافه بود روزانه در آنجا دو ساعت خدمت
میکردم و در ازای آن خوراک خود را بدست میاوردم کار های محوله
در کافه های آنجا مختلف است از نظری شوئی و جاروب کردن گرفته
تا پیشخدمتی و ریاست نشرفات البته بريك جوان ایرانی و حتی اروپائیکه
اهداء شاه بکلیز کردن نیستار خدمت را دون خود میپندارد این قبیل

خدمات دشوار است ولی آمریکائی بکار کردن عادت نموده و از کار کردن افتخار دارد و محیط آمریکا کسانی را پرورش میدهد که با روحیات آنسازمین آشنا و مطیع آن باشند.

پس از تأمین ایت قسمت مخارج بجهتجوی کارهای موقتی افتادم که مخارج منزل را تأمین بنماید بنا بر این فوراً وارد مذاکره با پروفیسور های کالج شده و پروگرام تحصیلات خود را طوری تهیه نمودم که روزهای شنبه کلاس نداشته و آزاد باشم و سپس اداره استخدام کالج را از پروگرام خود مطلع نموده و تقاضای کار برای روزهای شنبه کردم و معمولاً این کارهای روز شنبه مخارج منزل را تأمین می نمود زیرا که با صرفه جوئیها و ملاحظات لازمه در انتخاب منزل ارزان که هفته از چهار دلار تجاوز نماید هشت ساعت کارهای روز دو شنبه این مخارج منزل را بخوبی می پرداخت

البته این قبیل کارهای موقتی مختلف است و شباهتی بهم دیگر ندارند ولی اگر انسان حاضر شد که هر کاریکه پیش بیاید بکند چندی نمیگذرد که با اغلب اینکارها آشنا شده و تهیه وسائل تأمین زندگانش آسانتر میشود - اینکارهای موقتی عبارت است از باغبانی، بارو زدن برف، بخاری رادر زمستان آتش کردن، فرش تکانی، در و دریچه پاک کردن، رنگ و روغن زدن مبلمانها و اشیاء چرمی و غیره پس از تأمین مخارج زندگانی دیگر با کمال آسودگی شروع بتحصیل نموده و نیز جریان امورات فوق العاده کالج را از قبیل

ورزش و بازی، عضویت در کلوبهای مربوطه و حضور در مجالس نطق و تفریح و غیره تعقیب می نمودم - البته باید این را در نظر داشت که محصلی که بدست خود امور زندگی کافی خرد را تأمین می نماید بحد لزوم وقت آنرا ندارد که بتحصیل و درسهای خود بپردازد، علاوه بر این از طرف دیگر محصلی که حق التعلیم افتخاری بار داده شده است مجبور است که نسبت بسایر شاگردان مقام منیمی در تحصیلات خود احراز و تهیه بنماید و البته مهمترین وسیله برای بدست آوردن این مقام منیع تحصیلات خوب است که آنهم وقت زیاد لازم دارد. بنا بر این محصل کارگریکه دارای افتخاراتیست که مربوط بحق التعلیم بجائی است اقلاً بدو مانع بزرگ برمیخورد از طرفی بیشتر اوقات فراغتش صرف کار میشود و وقت تحصیل کمتر دارد و از طرف دیگر باید وقت زیادتری صرف تحصیلات خود نماید تا آنکه آبرو مندانه افتخاراتیکه بار داده شده است حفظ نماید زندگانی تحصیلی بنده و هزارها جوانهای امریکائی باین اشکالات برخورد کرده و یگانه راه حلی که دستگیر شده است البته راه حلی است طبیعی - از تفریح باید کاملاً صرف نظر کرد و همان ورزش روزانه را باید تفریح پنداشت. از بیخوابی شبها و برخاستن قبل از طلوع آفتاب نباید متالم شد، از لباسهای شیک پوشیدن باید صرف نظر کرد و از داشتن دستهای ضخیم و زحمت کشیده نباید شرمند شده و از کار کردن با کارگران و اشخاص بالنسبه بی عامی نباید دوری جست - بالاخره محصل کارگر مخصوصاً وقتیکه دارای افتخارات

حق التعلیم افتخاری است باید برای زحمت کشیدن و بیخوابی کاملاً حاضر باشد و الا اگر بی لیاقتی نشان بدهد حق التعلیم افتخاری از او گرفته میشود و بالتبجیه امور زندگی گانش پریشان و اوضاع تحصیلش مختل گشته آتیه اش کاملاً تیره و تاریک می گردد - من خود را خیلی مفتخر می دانم که در تمام مدت هفت سال تحصیلاتم (زیرا که هشتم و نهم صرف عملیات فنی و تجربه شد) چه در کالج بلایت و چه در انیورسیت کلبیا هر ساله دارای حق التعلیم افتخاری بوده و آخر سال رئیس مدرسه مرا از داشتن این افتخار برای سال آینده بایک بشاشت و صمیمیتی که مخصوص پروفیسور های آمریکا است مطلع می نمود -

پس از شروع کار و جریان امور تحصیل رو به طرفته محصل باندازه گرفتار و مشغول است که اوقاش بسرعت میگذرد و طولی نمیکشد که تحصیل سالیانه تمام شده و تعطیل تابستان شروع میشود.

تعطیل تابستان یک نعمت فوق العاده محسوب میشود زیرا که محصل از آن چندین قسم استفاده می نماید - اول استفاده مادی از یکماه قبل از اختتام مدرسه شاگردان بوسائیل مختلفه کار های تابستانی برای خود تهیه نمود و پس از اختتام تابستان هر کدام باندازه دو بیست دلار ذخیره و پس انداز خواهند داشت از نیا فراغت از تحصیل و تغییر رژیم زندگی؛ این خود دارای اثر مهمی است برای اعصاب و افکار خسته شده محصل ثالثاً قوائد جسمی زیرا که گذشته از ورزش های دیگر همان شغل تابستان خود یک ورزشی است که بدن محصل پس از نه ماه تحصیل

- بی اندازه محتاج بآن است
- بالاخره در انتهای تابستان محصلین کارگر عموماً علاوه بر آن ثروت کمیکه بوسیله دسترنج خود تهیه کرده اند دارای جسمی قوی و عضلاتی نیرومند و رخساری آفتاب خورده می باشند و بایکدیبا وجد و شغف منگیا برای شروع بتحصیلات اند
- کارهای تابستانی هم خیلی متنوع و مختلف است و شرح کارهاییکه خودم در تابستان کرده ام دلیل بر مدهای فوق است



تعطیل تابستان و استقاده محصلین از آن

اتفاقا در تابستان اولیکه من در آمریکا بودم بواسطه امتحانات و امور مربوطه سیاسی امایات کارخانه جات خیلی کم و بحران اقتصادی موقتا جریان امور را قدری کمند نموده بود بنا بر این وسائل بندست آوردن کار مخصوصا برای یک عملیکه با کارهای آن مملکت سابقه نداشت بی اندازه مشکل بود پس از قدری دوندگی بی نتیجه ماندن اقدامات شخصا بمنزل حاکم آن شهر رفته و تقاضای کار نمودم. این حاکم سابقا یکی از پروفیسورهای شهر همان کالجی بود که بنده در آن مشغول تحصیل بودم و بنا بر این قدری علاقه مند بود و در جواب تقاضای من از من سؤال کرد که چه نوع کاری می خواهی من در جواب گفتم که هر نوع کاری باشد حاضرم و بایشان فهماندم که قوت زحمت کشیدن را دارا و از کارهای بر زحمت رو گردان نیستم - ارم بدون هیچ سؤال دیگری مرا به مهندس بلدییه آن شهر معرفی کرده و نتیجه آنشد که روز بعد مشغول کار شدم.

کار من در آن تابستان مربوط بود با تعمیر جاده های آن شهر و چون بیکار زیاد بود و معلومات من در آن موضوع کم البته شغل مرجوعه بمن فقط عملگی بود - مهندسینی که از این قبیل کارها مطلع هستند تصدیق می کنند که این کار بر زحمت و مشقتی بود و گذشته از این عملیاتمان در خیابانها و گذر های عام بود و تمام دوستان و معلمین و پروفیسورها هر روز مرا در ایاس عملگی مشغول کاری دیدند

اینجا يك نكته است که باید گفت و مقایسه نمود - در اواخر
 همان تابستان پکروزی که خسته و خورده و گرد آلود با دستهای یکل آلود
 عرق خود را باك میگردم و خیلی مشغوف بودم که نه فقط آنروز و
 زحمات آنروز خاتمه یافت بلکه چند روزی نخواهد گذشت که تابستان
 هم تمام شده و تحصیلاتم شروع می شود يك شخصی از عقب دستش را
 بروی شانه من گذارد و اسم مرا برد همینکه برگشتم دیدم که رئیس
 کالج است و با تبسمی دست مرا گرفته و فشار داد و بمن تبریک گفت
 من هم پس از تو اصرار سبب تبریک را جويا شدم این شخص عالی مقام با
 يك محبت پارانگنه گفت: - من از ابتدای ورود تو کالج بلایت مواظب
 زقیات و تحصیلات تو بودم و خیلی مشغوف شدم که نتایج خوبی در
 امتحانات نصیب تو شود ولی نمیدانستم که آیا شما در حقیقت مستحق
 حق التعلیم افتخاری هستید یا خیر بنا بر این زحمات و کار های تورا در
 امام تابستان چندین مرتبه بچشم خود دیده و اکنون از صمیم قلب شما
 را تبریک مگویم که کالج ما از دادن حق التعلیم افتخاری بشما بسی
 خورسند است و آن حق التعلیم در سال آینده هم ادامه خواهد داشت
 البته من بی اندازه خورسند و مشغوف گشتم ولی در عین حال
 متحیر شدم که تا چه اندازه این ملت زنده کار و زحمت را ستایش
 می نماید - برای توضیح دادن مطلب خود عرض میکنم که آیا امکان
 دارد مثلاً در طهران يك محصل بی بضاعت عملگی بکند و در عین حال
 دوستان و آشنایان و معلمان و رئیس مدرسه او را در وسط خیابان
 مقابل تمام مردم در حین که مشغول عملگی است اینطور احترام نموده

وزحمتش را تقدیر بنمایند؟ - نامت ایران زحمت کش و زحمتکش
پرست نشود. تا وقتی که کار کردن را یگانه وسیله و شاهراه سعادت
پندارد. تا هنگامیکه سعادت خود را در عملیات خود ایجاد نکند
ترقیات اساسی و دائمی برایش غیر ممکن است.

تابستان دوم به راتب آسانتر و عملیترش سهل تر بود پس از
دو سال زحمت و تحصیل و آمیزش با جامعه آمریکا و روابط با مردمان
آن شهر وسیله بدست آوردن شغل‌های موقتی و کارهای تابستانی خیلی
فراوان تر و به مراتب بیشتر از سال پیش بود در این تابستان یکی از
مغازه های مهم آن شهر خدمتی بدست آورده و در عین حال وقت آن
را نیز داشته که برای خوراک روزانه خود جای دیگری کار کنم و اما
منزل بواسطه جلب توجه رؤساء کالج و سابقه های خوبی که نشانی
داده بودم ایشان نیز با سبانی یکی از عمارات کالج را در شبهای ایام تعطیلی
بدست من سپرده و بدین وسیله دیگر مخارجم زلم هم تأمین شد.

کارهای این تابستان مربوط بود با سیم تقاله که در اغلب مغازه
های آمریکا و اروپا دیده میشود. در مغازه هائی که يك عمارت چندین
طبقه را اشغال نموده و منقسم شده است با ادارات چندی قیمت فروش
هر جنس در هر يك از این ادارات بوسیله این سیم تقاله در همان وقت
فروش جنس بصندوق دار رسیده پول ضبط و رسیدش صادر میشود -
چون این سیم تقاله روزانه تقریباً ده یا دوازده ساعت در حرکت است
بنا بر این روزانه يك یا چند مرتبه گسیخته میشود و برای سرعت جریان
کارهای این مغازه ها بکنفر مخصوص اینکار معین است و این تابستان

وظیفه بنده رسیدگی باین سیم مقاله و تعمیر و جریان آن بوده البته قبل از شروع باینکار من کاملاً از آن بی اطلاع بودم ولی پس از چند ساعتی تعلیم و چند روز تجربه و وظائف خود را مثل یکنفر متخصص با سرعت زیادی انجام داده و حتی هرروژه چند ساعتی بیکار و مشغول کتاب خواندن میشدم البته در مقایسه با مشغل تابستان اول اینکاری بی اندازه آسان بود ولی این قبیل کارها اولاً همیشه زودی پیدا نمی‌گردد و ثانیاً ناپرده رنج گنج میسر نمیشود.

تابستان سوم بوسیله یکی از آشنایان امریکائی خود در کارخانه سنگهای سیمنت سازی بعنوان يك عمده استخدام شدم و نصف تابستان را در آنجا کار کردم - این کارخانه سنگهای سیمنت برای عمارات میسازد و این سنگها بعضی محوف و بعضی غیر محوف بود - شغل بنده گاهی قالب ریزی بود و گاهی بیرون آوردن سنگهای قالب ریخته تر و چیدن در آفتاب و خشکانیدن آنها بوده - البته کارهای دیگری ارقبیل حمل و نقل گولیهای سیمان و ریک های ریزه نیز محول بمامیشد - آقایایکه از اینکار اطلاع دارند و میدانند که سنگهای سیمان خیلی وزین است و روزی ده ساعت یا نه ساعت زور و رو کردن آنها انسان را بسی خسته مینماید البته سبب این را درك خراهند کرد که چرا فقط نصف تابستانرا در آنجا کار کردم و چون بی اندازه راهش دور و خسته کننده بود بعد از پنج یا شش هفته برای پیدا کردن کار دیگری بتجسس اقدام و اتفاقاً پس از دوندگی مختصری يك کاریکه بالنسبه خیلی آسانتر بود بدست آوردم.

شغل نیمه دوم تابستان سوم بنده خدمت در يك كارخانه لباس
دوزی بود و این كارخانه لباسهای چرمی و كلفت پشمی و نخی كه
معمولا عملجات و كارگرها استعمال می‌كنند میساخت و تخصصش در
اینكار بود؛ اینكار خانه بچندین شعبه منقسم يك شعبه اش
خیاطی و آنهم بچندین شعبه كوچكتر تقسیم بندی شده بود مثلا برش
لباس اداره مخصوصی داشت آستین دوزی اداره دیگری بهمین ترتیب -
شعبه دیگر این كارخانه شعبه فروش البسه بود آنهم در اداره داشته
جزئی و کلی فروشی شعبه دیگر این اداره شعبه خرید اجناس خام برای
تهیه البسه بود. شعبه دیگرش اداره حمل و نقل بود كه اجناس فروخته
شده را بترتیب معینی در صندوق گذاشته و بخریداراش برساند -
و مبه که بنده را استخدام کرده هیچيك از این شعبات نبوده ولی
مربوط بود با اداره برش شعبه خیاطی و چرمهایی را كه می‌آوردند
قبل از فرستادن نزد خیاط ها ما آنها را برای تقریبا ده یا دوازده ساعت
خیسانیده و سپس در روی لوحه های بزرگ تخته آنها را بخوبی
كشالده و میخكوبی می‌کردیم و پس از خشك شدن تحویل خیاطها
می‌دادیم بكدسته عمه كارشان این بود كه بنده هم جزو آنها بودم و در
ابتدای ورودم حقوق مرا روزانه می‌دادند ولی پس از دو هفته خدمت
چون سرعت كارم زیادتى شد حقوق مرا متناسب خدمات من می‌دادند
و متدرجا باندازه در اینكار سریع شدیم كه كارهای مرهفته را در
مدت چهار روز تمام کرده و اجرت هفته گى خود را در همان چهار
روز بدست آورده و سه روز دیگر را بگردش و ورزش و تفریح می‌پرداختیم